

گفتگوی نسل جوان با محمد علی عموی در تهران

## دریغ و افسوس که احسان طبری فرصت نیافت!

یکی از وبلاگ های داخل کشور گفتگویی تصویری کرده است با محمد علی عموی. متأسفانه متن کامل این گفتگو را منتشر نکرده، اگرچه وعده انتشار آن را داده است. ما هر آنچه را وی منتشر کرده در این شماره راه توده منتشر می کنیم و در صورت انتشار بقیه آن، بتدریج اقدام به انتشار آن نیز خواهیم کرد. این وبلاگ را از اینجا <http://edame.blogfa.com/post-122.aspx> می توانید ببینید. مقدمه این گفتگو نیز از گفتگو کننده است و ما تنها افعال برخی عبارات را دقیق کردیم.

«محمد علی عموی در سال ۱۳۰۷ در کرمانشاه به دنیا آمد. دوران تحصیلات ابتدایی را در کرمانشاه و دوران متوسطه را در تهران گذراند. در همین سالها با فعالیت های سیاسی آشنا شد و در سال ۱۳۲۴ به سازمان جوانان حزب توده در کرمانشاه پیوست. پس از اخذ دیپلم متوسطه، در سال ۱۳۲۶ برای ادامه تحصیل به دانشکده افسری رفت و در سال ۱۳۲۸ با درجه ستوان دومی فارغ التحصیل گردید. پس از گذراندن سال های تحصیل، به عضویت سازمان افسران حزب توده ایران درآمد و در شهریور ۱۳۳۳ همراه دیگر همزمانش بازداشت شد. در دادگاه بدوی به اعدام محکوم، ولی در مرداد ۱۳۳۴ حکم اعدام وی به حبس ابد تبدیل شد. در پاییز ۱۳۵۷ و با اوج گیری قیام مردمی، پس از گذراندن نزدیک به ۲۵ سال زندان، وی همراه با دیگر زندانیان سیاسی آزاد گردید.

با آغاز فعالیت علنی حزب توده ایران، مسئولیت شعبه روابط عمومی، عضویت در هیئت سیاسی و عضویت در هیئت دبیران کمیته مرکزی حزب، از مسئولیت های او بود. به همراه بازداشت رهبران و اعضای حزب در سال های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲، بازداشت شد و در سال ۱۳۷۳ آزاد گردید. عموی می گوید: "همچنان به باورهای خود پایبندم..."

یک تألیف، چند ترجمه و شماری مصاحبه و مقاله حاصل کار فرهنگی - اجتماعی - سیاسی او در سال های اخیر است: خاطرات سیاسی محمد علی عموی "درد زمانه" (تألیف)، داستان های دن (ترجمه)، سه گفتار از فیدل کاسترو (ترجمه)، فراز و فرود پروسترویکا (ترجمه)، خیانت به سوسیالیسم؛ پس پرده فروپاشی اتحاد شوروی (ترجمه) و ترجمه مقاله های متعدد از برشت، سارتر، یونسکو، بکت و آنتونین آرتو

عموی: پرسش درباره زنده یاد طبری است و من بسیار خوشحالم از رفیقی یاد می شود که از نظر من زندگی سرشار از آموزش، سرشار از فرهیختگی و استواری در راه مبارزه و اعتقاد عمیق به مارکسیسم و لنینیسم داشت. با کمال تأسف طبری بسیار مظلومانه رفت، خناسان روزگار مجال ندادند و امکان ندادند طبری کوچکترین و کمترین ارتباطی با رفقای خودش داشته باشد و بتواند پس از آن چهره ای که آنها از او ساختند و به جامعه ناهشیار ایرانی معرفی کردند، خودش را مجددا معرفی کند.

اتفاقاً این موضوع از این جهت توجه مرا جلب کرد که رفیق ما کیانوری این مجال را پیدا کرد، چند صباحی که خارج از زندان و در منزل شخصیش بود، یادداشت های کرد و این یادداشت ها دست به دست گشت و امروزه از سایت های پخش می شود و مردم می فهمند آنچه که در شوهای تلویزیونی از چهره ی کیانوری معرفی کردند جز این است. کیانوری وقتی با آن سن و سال از زندان بیرون آمد گفت "من معتقد به مارکسیسم و لنینیسم هستم"، ولی چنین مجالی را به طبری ندادند.

نه فقط در آستانه ی درگذشتش بلکه در تمام دوران زندانش، ما رفقای رهبری یک بار هم امکان ملاقات با طبری را نداشتیم .

من به این مناسبت سخنم را از این جا آغاز کردم و اشاره به تلاش رژیم برای از آن خود کردن طبری و معرفی آن چهره به جامعه، چهره که خود از او ساخته بودند می کنم. جوانان امروز ما و جوانانی که امروز گرایش به مارکسیسم، لنینیسم پیدا می کنند، طبری را نمی شناسند و فکر می کنند طبری کج راهه است که جمهوری اسلامی سعی در معرفی آن بصورت يك انسان اسلامگرا دارد. حال آن که طبری شناخته تر از آن است که اینها بتواند چهرش را تخریب کنند.

عمویی با اشاره به نقش و موقعیت طبری نزد دیگر احزاب کمونیسم منطقه می گوید: من مسافرت های گوناگونی در مجال کوتاه بین دو زندانم (پیش و پس از انقلاب) داشتم و با نمایندگان احزاب کمونیست متفاوتی از نزدیک دیدار داشتم. سر آغاز سخن همه این افراد که کمترین موقعیت تشکیلاتیشان عضو کمیته مرکزی حزب مربوطه بود، حزب کمونیست یونان، لبنان، سوریه، یمن جنوبی، عراق و رفقای افغانستان و ... طبری بود. و از طبری بعنوان يك معلم یاد می کردند".

پ. ن : با توجه به بیماری آقای عمویی و ممنوعیت پزشکی از یادآوری خاطرات دوران زندان و شکنجه و این اصل که نمی خواستم مصاحبه حالت بازجویی پیدا کند، در آغاز از احسان طبری و ۵۳ نفر، طبری و تاسیس حزب توده، طبری در دوران مهاجرت، طبری و انقلاب و بازگشت به ایران و در نهایت طبری در زندان جمهوری اسلامی پرسیدم. به علت طولانی بودن این مصاحبه توانستم بخش کوچکی را بنویسم. بخش هائی از فیلم این مصاحبه را در آینده در این وبلاگ می گذارم.»

راه توده ۲۰۸ ۱۲,۰۱,۲۰۰۹